خبر

«پایتخت ۷» به تماشا رفت

سریال پربیننده «پایتخت ۷» هر روز ساعت ۱۷ از شبکه تماشا پخش می‌شود. فصل هفتم مجموعه نمایشی پایتخت به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری تولید شده و ماجرای خانواده نقی معمولی را به‌تصویر می‌کشد.

این سریال در لوکیشن‌هایی چون شهرستان سوادکوه و چند قسمت در مشهد تصویربرداری شده. محسن تنابنده، ریما رامین‌فر، نسرین نصرتی، احمد مهرانفر و... از جمله بازیگران این سریال هستند.

هفتمین فصل سریال پایتخت موفق به ثبت مجموع ۱/۸۵ میلیارد دقیقه تماشا در بخش‌های لایو و آرشیو تلویبون شده.

از این میزان، ۶۵۰ میلیون دقیقه تماشا مربوط به پخش زنده (لایو) و ۱/۲ میلیارد دقیقه تماشا مربوط به آرشیو است. در این فصل شاهد برخورد شهاب سنگ به خانه فهیمه هستیم که طی آن ارسطو و رحمت تلاش می‌کنند موضوع شهاب سنگ را از او و نقی پنهان کنند و سنگ را بفروشند. آنها برای سود بیشتر تلاش می‌کنند شهاب‌سنگ را به خارج منتقل کنند. برای همین رفتن پیش خانواده نامزد تاجیکی نیکا، آنها را روانه جاده می‌کند.

جنگ در جبهه

این برنامه، ادای دینی بود به شهدا و ایثارگران

خاصی برای ارائه ایده‌های نو ندارد. در واقع، هفت یا هشت فرم برنامه‌سازی بیشتر وجود ندارد و در اصل چهار فرم اصلی داریم که در سراسر دنیا اجرا می‌شود: برنامه گفت‌وگومحور، برنامه استعدادیابی، برنامه مسابقه‌ای و برنامه‌های ترکیبی. برنامه ما نیز از این چارچوب خارج نیست. البته برنامه‌های گفت‌وگومحور و تحریری هم داریم که بهترین نمونه‌اش «یک قدم مانده به صبح» بوده است. ما ادعایی نداریم که برنامه‌ای کاملا جدید ارائه کرده‌ایم. اگر نقدی وجود دارد مبنی بر این‌که سازمان به برنامه‌های میزبان‌محور روی آورده و همه شبیه هم هستند، باید بگویم این ایده از ما نبوده است. طرح برنامه جبهه را برای سال ۱۴۰۱ ارائه دادیم و در آن سال تنها برنامه‌ای که با این فرمان تهیه می‌شد «عصر جدید» بود و نهایتا «معلی» فصل دومش روی آنتن رفته بود. در نهایت دو برنامه روتین با این الگو در ۱۴۰۱ تهیه شد: یکی معلی در ماه محرم و دیگری محفل در ماه مبارک. اما ایده میزبان‌محوربودن جبهه در طول مسیر تهیه و تولید شکل گرفت. روز اول تنها یک جمله به‌عنوان هسته اصلی ایده داشتیم. ما معتقدیم قصه‌گویی در میان مردم، همان‌طور که در «هزار و یک شب» از ۱۵-۱۴ قرن پیش ادامه داشته، همچنان باقی می‌ماند. قرآن نیز می‌گوید «من أحسن‌القصص‌ام» بنابراین باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

فلسفه قصه‌گویی در جبهه

برکتی در توضیح فلسفه و محتوای برنامه جبهه گفت: قرآن می‌تواند فلسفه بیاورد اما خودش را با قصص به مخاطب معرفی می‌کند. دوسوم قرآن قصه است و ما معتقدیم که قصه و روایت در میان مخاطبان بازخورد خوبی خواهد داشت؛ این هسته اصلی ایده ماست. وقتی به موضوع مقاومت می‌پردازیم، معتقدیم که این مفهوم تنها به دوران دفاع‌مقدس محدود نیست. از قبل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲، جامعه ایرانی علیه ظلم شروع به مقاومت کرده و این مسیر تا امروز در عرصه بین‌الملل ادامه دارد. محور محتوایی ما قصه و روایت است و فقط بر این موضوع تمرکز کرده‌ایم. به‌عنوان مثال حتی در نمایش قصه‌ها یا شعرها، تیتراژ پایانی ما نیز قصه‌گوست. محور زمانی ما به سال ۴۱ یا ۴۲ برمی‌گردد؛ زمانی که مردم ایران علیه ظلم قیام کردند و این مقاومت تا امروز که به لبنان و فلسطین رسیده، ادامه دارد. متأسفانه امروز کلمه مقاومت برای ما مترادف با غزه، لبنان و فلسطین شده است اما ما معتقدیم که این مفهوم باید در سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی نیز جاری باشد. برنامه جبهه باید اصل و اساس سبک زندگی مقاومتی را در امروز جهان معرفی کند که مخالف مصرف‌گرایی است. درخصوص فرم برنامه، روز اول که با آقای موسویان صحبت کردیم، هدف‌مان برنامه‌ای روایت‌محور بود. در ابتدا تصمیم داشتیم دو نفر کنار هم بنشینند و گفت‌وگو کنند یا از فرم استعدادیابی استفاده کنیم اما در مسیر شکل‌گیری برنامه، متوجه شدیم که بهتر است میزبان‌ها و روایت‌های مختلفی به توسعه برنامه کمک کنند و قصه‌ها را پرورش دهند. به همین دلیل، آقای خلیلی، آقای سعید ابوطالب و آقای دلبریان را دعوت کردیم که هرکدام ویژگی‌های مهمی دارند. آقای دلبریان بیش از ۱۵ سال است که روایت شهدا و تاریخ را به‌خوبی می‌داند و آقای سعید ابوطالب نیز تجربه سینمایی و دراماتیک دارد و معتقد است که قصه‌ها قابلیت سینمایی شدن دارند و اگر سینماگری همراه باشد، می‌توان این مسیر را ادامه داد.

> **برکتی: نوآوری به‌معنای چیزی است که قبلا وجود نداشته باشد اما از آنجا که من از دنیای شعر آمده‌ام، معتقدم بسیاری از مضامین قبلا گفته شده‌اند برنامه جبهه تلاش خاصی برای ارائه ایده‌های نو ندارد**

اهمیت نظرات مخاطبان جبهه

علی خلیلی، میزبان برنامه جبهه، درباره اهمیت نظر مخاطبان در این برنامه گفت: نظر مخاطبان برای ما بسیار مهم است. من به‌طور مستمر نظرسنجی‌هایی بین دوستانم درباره جبهه انجام می‌دهم. آقای برکتی و آقای موسویان نیز نظرات بینندگان را جمع‌آوری می‌کنند و ما در جلسات به بررسی این نظرات می‌پردازیم. هرچه که مخاطب بخواهد و امکان اعمال آن وجود داشته باشد، اجرا می‌شود. این اهمیت برنامه را نشان می‌دهد، چرا که متأسفانه بسیاری از برنامه‌ها این موضوع را نادیده می‌گیرند. تغییرات براساس نظرات بینندگان در نحوه اجرا یا استفاده از دوربین‌ها بسیار تأثیرگذار بوده و باعث تغییر دیدگاه من نسبت به رسانه‌های ایران شده است.

وی با اشاره به برنامه دیگری که در حوزه مقاومت روی آنتن داشته، ادامه داد: پیش از برنامه جبهه، برنامه ساعت به وقت قدس را به‌صورت هفتگی روی آنتن داشتم. پس از آغاز برنامه جبهه، در یک برنامه در بوشهر، کنار افراد زیادی از کشورهای منطقه بودم و جالب بود که آنها من را می‌شناختند و این برایم عجیب بود. پیگیری کردم و متوجه شدم که به آنها گفته شده برنامه‌ای وجود دارد که به مسائل فلسطین و مقاومت می‌پردازد و منظورشان در واقع برنامه جبهه بود.

خلیلی با یادآوری بازخوردهای دیگری که درخصوص برنامه جبهه گرفته، اضافه کرد: در مراسم‌های خیابانی روز قدس در تهران نیز مردم به‌طور مکرر من را می‌شناختند و درباره برنامه جبهه صحبت می‌کردند. نکته جالب این بود که شب پیش از آن، آقای ابوطالب در برنامه به موضوعی اشاره کرده بودند که ناتمام مانده بود و مردم در خیابان از من درباره آن سؤال می‌کردند. این دقت مردم به جزئیات برنامه، نشان‌دهنده دیده شدن برنامه بوده و خوشحال‌کننده است. باید بگویم در تعاملات مردمی که داشتم متوجه شدم برنامه جبهه به مخاطبان این امکان را داده که شناخت بهتری از فلسطین پیدا کنند. پیش از این در معاشرت‌هایم متوجه شدم که بسیاری از مردم تفاوت کرانه باختری و نوار غزه را نمی‌دانند. من که خودم برنامه‌ای درباره فلسطین داشتم، فرصت نداشتم که آزادانه در مورد حرف‌های مردم کشورم صحبت کنم، اما در جبهه هیچ‌کس مانع نمی‌شد و می‌توانستم نظراتم را بیان کنم. البته خودم هم از جبهه آموختم که داستان‌های دفاع‌مقدس شباهت زیادی به داستان‌های فلسطین دارند. احساس می‌کردم دزفول در آن زمان، غزه امروز است با این تفاوت که در حال حاضر رسانه‌ها در فلسطین داستان‌ها را ثبت و منتقل می‌کنند اما در زمان جنگ ایران و عراق، خبری از رسانه‌ها نبود. به‌نظرم جبهه فرصتی برای جریان‌سازی نوین در روایتگری مقاومت فراهم کرده است. این برنامه توانسته مخاطبان خود را پیدا کند و باید با فرصت دادن به آن، ظرفیت رشدش را افزایش دهیم.

بار اندوه حماسه جبهه

برکتی با اشاره به بار اندوه برنامه جبهه عنوان کرد: روز اول، سعید ابوطالب وقتی به برنامه آمد چند بار تأکید کرد: «از من بازی نگیرید. از من انتظار نداشته باشید بغض کنم.» اما در ۳۰ قسمتی که در ۲۷ روز ضبط شد، بیش از ۲۰ بار به پهنای صورت گریه کرد. من می‌رفتم کنارش و می‌گفتم آقای ابوطالب، مگر روز اول نگفتید... او پاسخ می‌داد: «خدا شاهد است که اختیاری بر گریه‌ام ندارم.» ابوطالب آمده بود که گریه نکند اما شرایط به شکلی پیش رفت که از اختیارش خارج شد.

لازم است بگویم روز اول که با آقای مرادی صحبت کردیم، گفتیم می‌خواهیم از حماسه بگوییم، چون ما در غزه با اسرائیل در حال جنگیم و نمی‌شود چیز دیگری گفت. گفتیم فقط از قهرمانان حماسه و مقاومت خواهیم گفت. ولی چطور می‌توان داستان قهرمانی را که مُثله کردند و سرش را بریدند، بدون اشک تعریف کرد؟ بدون تعارف می‌گویم، ما نمی‌خواستیم روضه بخوانیم، بلکه واقعیت این بود که طرف از پسرش حرف می‌زد؛ می‌گفت کار خوبی انجام داده و موفق شده ۵۰۰۰ نفر را از پل عبور دهد اما درنهایت آن پسر مظلومانه به شهادت رسیده بود. برنامه ما برنامه‌ای بود که پایه و اساسش حماسه بود؛ حماسه‌ای که بدون شهادت و غم نمی‌تواند تجلی پیدا کند.

> **خلیلی: من به‌طور مستمر نظرسنجی‌هایی بین دوستانم درباره جبهه انجام می‌دهم. آقای برکتی و آقای موسویان نیز نظرات بینندگان را جمع‌آوری می‌کنند و ما در جلسات به بررسی این نظرات می‌پردازیم**

اهداف کلیدی جبهه

سردبیر برنامه جبهه درباره اهداف این برنامه گفت: لازم است همچنان به اهداف تولید برنامه رجوع کنم. برنامه جبهه دو نکته جدی را می‌خواست مطرح کند؛ اول این‌که جنگ و دفاع‌مقدس اساسا بر پایه مقاومت استوار است. به هیچ‌کدام از راویان‌مان نمی‌گفتیم «بیا اینجا بازی کن» یا «اگر بد است، حذفش کن.» نکته بعدی این است که در میان حاضران در استودیو، افرادی بودند که ممکن بود ارتباط قلبی با فضای جبهه نداشته باشند؛ البته برخی از خانواده‌ها نیز خانواده‌های نزدیک به شهدا بودند. می‌خواهم بگویم افرادی حضور داشتند که الزاما با این فضا آشنایی نداشتند. اما حتی زمانی که مادر شهید روایتش را راسخانه نقل می‌کرد، اشک را در میان تماشاگرانی که شاید با مجموعه ارتباطی نداشتند، مشاهده کردیم؛ نه یکی دو نفر، بلکه بیشتر. متأسفانه به‌دلیل مشکلات تدوینی و محدودیت فضای برنامه، نتوانستیم همه این احساسات را نشان دهیم. تأکید جدی ما این است که هیچ‌گاه هیچ اشاره‌ای برای بازیگری یا بازی کردن نداشتیم.

این سردبیر در شرح اهداف برنامه ادامه داد: نکته دوم این است افرادی که در برنامه آمدند، شاهدان عینی ماجرا بودند. در دفاع‌مقدس دو مسأله مهم وجود دارد که اکنون به‌عنوان زنگ خطر دفاع‌مقدس به آن اشاره می‌شود؛ این‌که راویان دست اول ما در حال از دست رفتن هستند. بیش از ۳۰ سال از دفاع‌مقدس گذشته و بسیاری از این راویان و عزیزانی که ما سراغ‌شان رفته‌ایم، پیر و دچار آلزایمر و فراموشی شده‌اند. برنامه جبهه تأکید داشت که این افراد را جلوی دوربین بیاورد. بیش از ۷۰ درصد از افرادی که در برنامه جبهه حضور یافته‌اند، برای اولین‌بار بود که جلوی دوربین می‌آمدند.

دغدغه سوژه‌یابی

برکتی با اشاره به چالش‌های سوژه‌یابی برنامه، عنوان کرد: ما به همه سازمان‌ها و ارگان‌ها مراجعه کردیم؛ از بنیاد شهید گرفته تا لشکر ۱۰ امام حسین(ع) و دیگر نهادها اما متأسفانه هیچ‌کدام از این گروه‌ها به ما لیستی از برنامه‌ها یا سوژه‌ها ندادند. نمی‌خواهم اسم بیاورم اما ارگانی که بیش از ۲۵ سال برنامه «شب خاطره» درباره دفاع‌مقدس دارد، حتی یک نفر به ما معرفی نکرد. در حوزه سوژه‌یابی وقتی به منابع مختلف مراجعه کردیم، همکاری نشد. دو ماه کفش آهنی پوشیدیم و مجبور شدیم خودمان شروع به سوژه‌یابی کنیم و به‌تدریج پیش رفتیم. باید بگویم هیچ استانی در ایران نیست که نماینده‌ای از آن در برنامه جبهه حضور نداشته باشد؛ از شمالی‌ها، مشهدی‌ها، فارس‌ها، شیرازی‌ها، سیستان‌وبلوچستانی‌ها، کردها، بلوچ‌ها، جنوبی‌ها، بوشهری‌ها، آبادانی‌ها و دزفولی‌ها گرفته تا دیگر مناطق. دلیلی ندارد که من فقط در تهران بگردم. بله، در تهران می‌توانم به لشکر محمد رسول‌الله مراجعه کنم اما هیچ‌کدام به ما کمکی نکردند. وقتی به یزد مراجعه کردم، متوجه شدم چقدر مقنی‌ها در زمان جنگ مشارکت داشته‌اند که روایت‌شان تا به‌حال شنیده نشده. به دزفول رفتیم و دیدیم که این شهر نیز یک سال موشک‌باران شده و راویان زیادی در میان این مردم وجود دارد. این فضل خدا بود که با درهای بسته مواجه شدیم اما درهای بزرگ‌تری پیش‌روی ما گشوده شد. ما وظیفه داشتیم نور را بر افرادی بتابانیم که کمتر دیده شده‌اند. روز اول قرار داشتیم به سلبریتی‌های این حوزه نپردازیم. در برنامه جبهه بسیاری از این افراد را نمی‌بینیم.

این برنامه تلاش می‌کند تا روایت‌هایی را که کمتر دیده شده، از زبان خود افراد و بدون هیچ‌گونه اغراق یا ادا و اصول بیان کند و به همین دلیل توانسته مخاطبان را به خود جذب کند و یادآور روزهای سخت دفاع‌مقدس باشد.

قدردانی از عوامل

موسویان، تهیه‌کننده برنامه جبهه که این فرصت را برای قدردانی از تیمش مناسب دیده در پایان گفت‌وگو را این‌گونه تکمیل کرد: از آنجا که پایان ضبط برنامه جبهه مصادف شد با تعطیلات، نتوانستیم از بسیاری از همکاران تشکر کنیم. وظیفه‌مان است که از تیم کارگردانی، به‌ویژه آقای امیری، تشکر کنم. همچنین تیم تئاتر به سرپرستی آقای آرش ماهان، تیم موسیقی به مدیریت آقای سهیل سرافرازی، بچه‌های گریم، صحنه و دکور که زحمات زیادی کشیدند، تشکر می‌کنم. اسامی بسیار زیاد است و من بقیه را ذکر نمی‌کنم. امیدوارم برنامه جبهه به دل مخاطبانش نشسته باشد و بتوانیم در ادامه نیز در این مسیر مفید واقع بشویم.

موج

روایت ضرغامی از پشیمانی برخی هنرمندان

عزت‌الله ضرغامی با تشریح جزئیاتی از داوری جشنواره چهل و سوم فیلم فجر و بیان خاطراتی از تصمیم‌هایش برای فیلم‌های «آدم برفی» و «مربای شیرین» تاکید کرد که حکومت باید سینما را به رسمیت بشناسد و نسبت به هنرمندانی که پس از اتفاقات ۱۴۰۱ کشور را ترک کردند و پشیمان هستند، حساس باشد. ضرغامی که سال‌ها ریاست سازمان صداوسیما را برعهده داشت و در دولت سیزدهم وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بود، در بهمن ماه سال گذشته به عنوان یکی از شش داور جشنواره فیلم فجر معرفی شد و آثار این رویداد را داوری کرد. او شامگاه جمعه، پنجم اردیبهشت باحضور در برنامه تلویزیونی هفت، درباره موضوع‌های مختلفی صحبت کرد. این مدیر فرهنگی گفت: می‌خواهم یک حرف خطرناک بزنم، اغتشاشات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱ باعث شد بعضی از همکارهای ما اشتباه کنند و برخی هم به خارج رفتند و پشیمان هم هستند. بگویید اشتباه کردم و ببینید حاکمیت درباره شما چه برخوردی خواهد داشت.

فرامرز

پوشش زنده مراسم تشییع پاپ به ۱۵ زبان دنیا

مراسم تشییع و خاکسپاری پاپ فرانسیس به‌صورت زنده و جهانی از سوی واتیکان نیوز پوشش داده شد؛ رویدادی که با پخش زنده به ۱۵ زبان مختلف از جمله چهار زبان اشاره همراه بود و یکی از بزرگ‌ترین لحظات رسانه‌ای کلیسای کاتولیک معاصر را رقم زد. این مراسم از ساعت ۱۰ صبح دیروز به وقت رم در میدان سنت‌پیتر آغاز شد و سپس با تشییع پیکر پاپ در خیابان‌های رم به سوی کلیسای بزرگ سنت‌مری ادامه یافت و طبق وصیت پاپ فرانسیس، با خاکسپاری او در این کلیسا به پایان رسید. این مراسم به‌صورت زنده از طریق رادیو و تلویزیون، به ۱۵ زبان مختلف از جمله انگلیسی، ایتالیایی، اسپانیایی، فرانسوی، پرتغالی برزیلی، پرتغالی، آلمانی، لهستانی، ویتنامی، چینی و عربی پخش شد. همچنین پوشش ویژه‌ای برای چهار زبان اشاره از جمله زبان اشاره آمریکایی (ASL)، ایتالیایی، اسپانیایی و فرانسوی در نظر گرفته شده بود. این نخستین‌بار در تاریخ کلیسای کاتولیک بود که انتقال پیکر یک پاپ فقید از واتیکان به محل دیگری برای خاکسپاری به‌صورت زنده و جهانی پخش می‌شد.

آمار

پرمخاطب‌های ۱۶۲ به‌روایت آمار
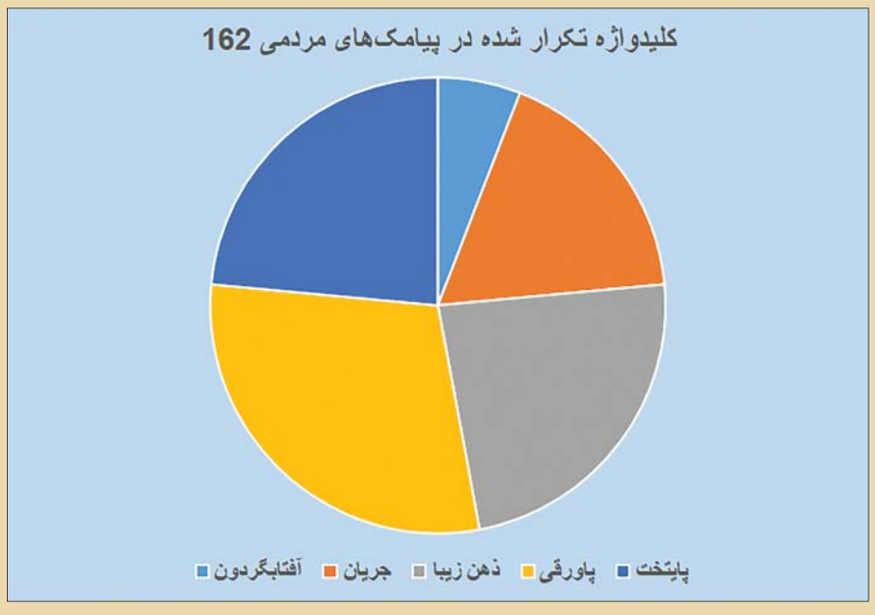
نگاهی به کلیدواژه تکرارشده در پیامک‌های مردمی سامانه ۱۶۲ سازمان صداوسیما، نشان از آن دارد که برنامه‌های «آفتابگردون»، «پاورقی» و «جریان» و همچنین سریال‌های «ذهن زیبا» و «پایتخت» درمیان پرمخاطب‌ها بوده است. مردم با ارسال پیامک، بابت تهیه و پخش این برنامه‌ها و محتواها تشکر کرده و نظرات خود را درباره آنها بیان کرده‌اند.